**بیاض (جنگ) استاد حافظ و نسخه مضبوط و مشکول مثلثات سعدی**

**افشار، ایرج**

گاه‏به‏گاه از گوشه و کنار نسخه‏هائی خطی منحصری فراچنگ می‏افتد که اسراری‏ باارزش و نکته‏هائی بدیع بر محققان مکشوف می‏سازد و ضمنا با دست‏آمدن آنها مشکلاتی پیش‏ می‏آید که خود محتاج تحقیق و تجسس دیگری است.

اخیرا جنگی نفیس و قدیمی،گرانقدر و خوش‏انتخاب که در کتابخانهء دوستی بسیار عزیز و صاحب ذوق است به لطف عزیزی دیگر به حقیقت زیارت شد و چون این نسخه برای ادیبان‏ زبان فارسی و محققان شعر دری و ارادت‏ورزان به حافظ و شیفتگان کلام سعدی گنجی گرانبها و گوهری کم‏مثال است با اجازت دوست سرود سرای و شعرشناس به معرفی آن درین کلمات‏ می‏پردازد.

این جنگ 144 ورقی بیاضی‏شکل و قطع رقعی است.کاغذش بغدادی و نخودی رنگ‏ و مجدول به شنگرف است.بر هر صفحه‏اش به تفاوت از چهارده تا هجده بیت بخط نسخ‏ کتابت شده است و تقریبا چهار هزار و پانصد بیت در بردارد.عناوین و بعضی از ابیات شنگرف‏ نوشته است و گاه هم لاجوردین.

این جنگ عزیز ابتدا ندارد،اما از انتها کامل است.ولی از ظاهر جنگ برمی‏آید که‏ بیش از چهار ورق افتادگی ندارد و حتی می‏توان احتمال داد که فقط یک ورق از قصیده‏ مشهور سعدی به مطلع«شکر و سپاس و منت و عزت خدای را»که قسمتی از آن یعنی از اواسط قصیده باقی است از نسخه ساقط گردیده.

دریغ آنکه به‏علت تشویشی که در صحافی بعدی نسخه روی یافته اوراق جنگ در هم و مغشوش و ته‏وسر صفحات در بسیاری از موارد ناجور و بی‏احتیاط است و ورقهایی چند از جای‏ خود خارج شده و به‏جای دیگری اتصال یافته است.

جنگ بخط نسخ خوش با اسلوب و مضبوط و روشن«شمس حاجی الشیرازی»و مورخ روز جمعه 17 جمادی الاولی سال 751 به مقام سلخات‏1است.

\*\*\* درین جنگ قصاید و غزلیات و ترکیب‏بند و ترجیع‏بند و قطعات از شعرای مختلف‏ مندرج است و اشعار در مواردی خلاصه شده است.نام سرایندگانی که اشعارشان درین جنگ‏ نقل شده به آن مقدار که در تورق جنگ یادداشت شد باین شرح است:

(1)-حرف آخر اسم محل بی‏نقطه است و درست معلوم نیست که نون است یا ب یا پ یا ت و با تجسس که در مراجع شد چنین نامی دیده نشد.شاید سلخان یا سلخاب باشد.از مطلعین‏ خواهشمند است در صورتی که چنین محلی را می‏شناسند یا در کتب دیده‏اند توضیح مرقوم‏ فرمایند.

سعدی(که بیش از شعرای دیگر ازو شعر نقل شده)،عراقی،عبد الواسع جبلی،سعید سعد خراسانی،امیر قوای رازی،شمس طبسی،سنائی،عطار،مولوی،پوربها،انوری،کمال‏ الدین اسمعیل،اثیر،عطار،همام تبریزی،اوحدی،عماد کرمانی،سیف فرغانی،سعد بهاء، مجد همگر،حسام الدین نبیره،خاقانی،ادیب صابر،ناصر(ظ:بخارائی)،قطب الدین یحیی‏ ابن(نام پدرش خوانده نمی‏شود)شیرازی.

از میان این شاعران اشعاری که از سعید سعد خراسانی،سیف فرغانی،سعد بهاء،حسام‏ الدین نبیره و قطب الدین یحیی شیرازی نقل کرده چون در جنگها و تذکره‏های دیگر کم دیده‏ می‏شود غنیمت خاصی است.

کاتب نیز شاعر و در شعر سخت تحت تأثیر سعدی است در شعر«شمس حاجی»تخلص‏ می‏نماید و تخلص را اغلب در بیت ماقبل آخر می‏آورد و مقداری از غزلیا و قصاید و رباعیات‏ خود را جای جای درین جنگ ضبط کرده است.

شمس حاجی چند مورد جلال الدین شاه جانی‏بیک(1)را که پادشاه دشت قبچاق و مقیم سرای‏ بود و در 741 به سلطنت رسیده بود مدح کرده است.و با توجه به اینکه جانی‏بیک ایامی را در آذربایجان بوده معلوم می‏شود حاجی چندی از زندگی خود را در آن صفحات گذرانیده،ورنه مناسبتی ندارد که شاعری شیرازی خود را در ترکیب‏بندی با مطلع زیر مدح خوان دائمی درگاه آن شاه بخواند:

چون سمند فلک شتابان شد وز برش آفتاب تابان شد

تا آنجا که گوید:

شمس حاجی کمینه بندهء شاه‏ دایما مدح خوان آن درگاه

نیز در قصیده‏ای بمطلع زیر که دارای تشبیب زیبائی است آن شاه را مدح گفته است:

ای سر زلف تو مجموع از پریشان داشتن‏ تا به کی پیدا به شب خورشید پنهان داشتن

اما اینکه«شمس حاجی شیرازی»شاعر و کاتب کیست مشتاق خواستار با در دست بودن‏ «فرهنگ سخنوران»دکتر خیام‏پور دفعة بدان کتاب عزیز مراجعه می‏کند تا راهی به جائی‏ ببرد و معلوم شود که کدام از تذکره‏ها و مراجع شعر فارسی ازو نامی برده‏اند.

درین فهرست یگانه شاعری که تخلصش«شمس»و نسبتش شیرازی باشد کسی است بنام‏ شمس الدین عبد اللّه که احوالش به اختصار در فارسنامهء ناصری 21:148)و ریاض العارفین‏ هدایت و بنقل از آنها در ریحانه الادب مندرج است و همه به پیروی مأخذ واحدی او را متوفی‏ در 772 و استاد لسان الغیب حافظ شیرازی شمرده و یک رباعی از او نقل کرده‏اند.آقای محمد- حسین رکن‏زادهء آدمیت هم در جلد سوم دانشمندان و سخن‏سرایان فارس همین مطالب عادی را ذیل شمس الدین شیرازی نقل کرده است.مرحوم سعید نفیسی نیز در تاریخ نظم و نثر در ایران‏ و در زبان فارسی(ص 769)از این شاعر تحت عنوان ابو محمد شمس الدین عبد اللّه بنجیری‏ متوفی در 782 یاد کرده او را مراد حافظ شمرده و نوشته است که مبارز الدین محمد بن مظفر (1)-این شاه جانی‏بیک به‏علت تظلم مردم تبریز بدو از ستم و جور ملک اشرف چوپانی‏ در سال 759 با سپاهی وافر به تبریز آمد و پس از قتل ملک اشرف و تصرف خزائن شهر و نصب پسر خود به حکومت آنجا به سرای بازگشت و سالی نگذشت که درگذشت.

بدو ارادت می‏ورزید و شاعری بود که به عربی و فارسی شعر نیکو می‏سرود.

اخیرا آقای احمد گلچین معانی مقالهء محققانه‏ای تحت عنوان«استاد و مراد خواجه‏ حافظ»که همین ابو محمد شمس الدین عبد اللّه مرادست نوشته و بروایت مقالة الابرار که کتابی‏ تألیف یکی از افراد خاندان بنجیری و از مآخذ تقی الدین کاشی بوده وفات او را 782(مانند نقل سعید نفیسی)نقل کرده است(سالنامه کشور ایران.1343 سال 19 ص 23-26).

چون جامع جنگ مودد معرفی تا سال 751 که سال کتابت جنگ است قطعا در حیات‏ بوده و تخلص شمس حاجی میکرده و شیرازی بوده می‏تواند همین شمس الدین عبد اللّه متوفی در 772 یا 782 باشد.

پس از سکوت...

ای طبع سرد و مردهء من باز جنبشی‏ ای ذوق دبر خفتهء من باز همتّی‏ ای لب خموش ماندی و دل پر ز ماجراست‏ تا چند در سکوتی و تا کی به فترتی‏ تا چند غافلی تو ز خشم درون من‏ تا کی اسیر اینهمه سستی و رخوتی؟ زین شعله‏های درد که می‏سوزدم مدام‏ افسانه‏ای،سرودی،شعری،حکایتی‏ زین قصّه‏های تلخ که در خاطر من است‏ با دیگران بدار دگرباره صحبتی‏ راضی مشو که اشک شود چاره‏ساز من‏ مپسند کز دو دیده کشم بار منّتی‏ ای طبع سرد و مردهء من باز زنده شو تا زندگیم از تو بگیرد لطافتی‏ ای ذوق دیر خفتهء من باز جان بگیر بر جان من فزای صفا و طراوتی‏ ای شعر من تو باش سخنگوی درد من‏ بر این وجود خسته ببخشا مسرّتی‏ من جز به شعر و نظم نبندم ره خیال‏ جز بر کلام نغز نورزم ارادتی‏ از هرچه در جهان بود افسانه را بس است‏ شعری،ترانه‏ای،غزلی،کنج خلوتی

افسانه یغمائی-شیراز